

<http://doi.org/10.22133/MTLJ.2022.365674.1129>

Reflection on the Nature of Governments' Obligations Towards the Right of Economic Development Due to Nuclear Technology

Akbar Masoumi Tabar¹, Hossein Foroughinia^{2*}, Ali Babaei Mehr³

¹ PhD. Student in International Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Ghaemshahr Branch, Mazandaran, Iran

² Assistant Professor of International Law, Farvardin Ghaemshahr Institute of Higher Education, Mazandaran, Iran

³ Assistant Professor of Public Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Chalous Branch, Mazandaran, Iran

Article Info

Abstract

Original Article

Received:
14-10-2022

Accepted:
19-11-2022

Keywords:

The right to economic development
Obligations of governments
Nuclear sanctions
Nuclear technology

The right to economic development is considered another manifestation of the development issue in international law literature. It is considered one of the fundamental rights of governments and the natural result of their sovereignty, and one of the rights upon which the United Nations Charter is based, by which the governments of the world commit to solving economic, social, cultural, and development-related issues in cooperation. Despite this, the question raised here is, what is the nature of this commitment and duty of governments towards the right of economic development of other countries, especially regarding the development of peaceful nuclear knowledge and technology? According to our results, despite the claims of developed countries that there are no binding international laws or conventions stipulating the commitment to cooperation and assistance to developing countries, developing countries have a right to development, and although the obligations of the charter are outlined in a general way, as long as the economic activities of the countries, including in the field of nuclear energy, do not pose a threat to the peace and security of other nations, they may be considered positive obligations. The development of peaceful nuclear technologies and the transfer of knowledge to developing countries are the responsibility of nuclear and developed countries. Based on this, the present article, with a descriptive and analytical approach, seeks to explore and give a detailed answer to the above question.

*Corresponding author

e-mail: hforoughiniya57@yahoo.com

How to Cite:

Masoumi Tabar, A., Foroughinia, H., & Babaei Mehr, A. (2022). Reflection on the Nature of Governments' Obligations Towards the Right of Economic Development Due to Nuclear Technology. *Modern Technologies Law*, 3(6), 113-125.

Published by University of Science and Culture <https://www.usc.ac.ir>
Online ISSN: 2783-3836



تأملی بر ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی ناشی از فناوری هسته‌ای

اکبر معصومی تبار^۱، حسین فروغی نیا^{۲*}، علی بابایی مهر^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر، مازندران، ایران

^۲ استادیار حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، مازندران، ایران

^۳ استادیار حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، مازندران، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
مقاله پژوهشی	حق توسعه اقتصادی جلوه‌ای از توسعه است که در ادبیات حقوق بین‌الملل مورد توجه قرار گرفته است. این حق به منزله یکی از حقوق اولیه دولت‌ها و نتایج طبیعی حاکمیت آن‌ها موضوعیت می‌یابد و از حقوقی است که منشور ملل متحد بر آن استوار شده است و به موجب آن، دولت‌های جهان متعهد شده‌اند در حل مسائل مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا به طور کلی توسعه با یکدیگر همکاری کنند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که ماهیت این تعهد و تکلیف دولت‌ها در برابر حق توسعه اقتصادی دیگر کشورها خصوصاً در مورد توسعه دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای چیست؟ با وجود ادعای کشورهای توسعه‌یافته مبنی بر نبودن قواعد یا کنوانسیون الزام‌آور بین‌المللی در خصوص تعهد به همکاری و کمک به کشورهای در حال توسعه، با توجه به این که حق توسعه جزو ارزش‌های بنیادین بشری و در قالب تعهدات منشور به صورت کلی مقرر شده است، این پژوهش نشان می‌دهد تا زمانی که فعالیت‌های اقتصادی کشورها از جمله در زمینه انرژی هسته‌ای تهدیدی واقعی برای صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای نباشد می‌شود آن رابه‌عنوان تعهداتی ایجابی و مثبت از جانب دولت‌های توسعه‌یافته و هسته‌ای در قبال کشورهای در حال توسعه برای همکاری و انتقال دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای تلقی کرد. بر همین مبنا، نوشتار حاضر با رویکردی توصیفی و تحلیلی در پی کنکاش و پاسخ‌گویی تفصیلی به پرسش مذکور است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۲۲	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۸	
واژگان کلیدی: حق توسعه اقتصادی تعهدات دولت‌ها تحریم‌های هسته‌ای فناوری هسته‌ای	
*نویسنده مسئول رایانامه: hforoughiniya57@yahoo.com	

نحوه استناددهی:

معصومی تبار، اکبر، فروغی نیا، حسین و بابایی مهر، علی (۱۴۰۱). تأملی بر ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی ناشی از فناوری هسته‌ای. *حقوق فناوری های نوین*، ۳(۶)، ۱۱۳-۱۲۶.

ناشر: دانشگاه علم و فرهنگ <https://www.usc.ac.ir>

شاپای الکترونیکی: ۳۸۳۶-۲۷۸۳

مقدمه

حق توسعه^۱ یکی از محوری‌ترین موضوعات حقوق همبستگی بشر و از حقوق مسلم کشورهای درحال توسعه است که در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۲ و اعلامیه حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها در ۱۹۷۴^۳ پذیرفته شده است. از این رو، مبنای مطالبه این حق را می‌شود از اسناد پایه‌ای حقوق بشر برداشت کرد و سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها، به‌عنوان تابعان حقوق بین‌الملل، ملزم به فراهم آوردن لوازم تحقق این حق‌اند. در واقع، این حق حاصل تحول مفهومی در درون سازمان ملل متحد است که در پی آمد تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۹۴۸ و میثاقین بین‌المللی در ۱۹۶۶ و تجربه استعمارزدایی زمینه شکل‌گیری آن به‌وجود آمده است تا آنجا که کنفرانس استکهلم سازمان ملل متحد درباره محیط‌زیست مفهوم توسعه پایدار را مورد توجه قرار می‌دهد (عسکری و وکیل، ۱۳۹۱، ص ۵۰). بر همین مبنا، حق توسعه اقتصادی نیز حقی بشری است که تعهداتی برای جامعه بین‌الملل ایجاد می‌کند؛ به این معنا که کشورها نه تنها باید مانع تحقق آن نشوند، که باید ابزار و لوازم آن را نیز فراهم آورند. در این میان، رابطه‌ای مستقیم بین سطح توسعه اقتصادی و حوزه انرژی از جمله در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای و غنی‌سازی اورانیوم نیز وجود دارد؛ به نحوی که کشورهای توسعه‌یافته، ضمن این‌که دسترسی فراوانی به انرژی دارند، از سیاست‌های پیشرفته انرژی نیز برخوردارند. برعکس، کشورهای درحال توسعه با فقر انرژی مواجه‌اند و سواست‌های نامطلوب و ناکارآمد انرژی، با برخی موانع و چالش‌ها بین‌المللی از جمله فشارها، تهدیدها و اعمال تحریم‌های متعدد اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای در حوزه انرژی مواجه‌اند. می‌توان گفت که تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا و حتی دیگر کشورهای غربی موانع جدی در جهت تحقق حق توسعه برخی از کشورها از جمله ایران ایجاد کرده است که ناقض کنوانسیون‌های جهانی متضمن ارزش‌های بنیادین حقوق بشری است (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۲).

با درک این وضعیت، پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی دیگر کشورها خصوصاً کشورهای درحال توسعه در زمینه فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای چه ماهیتی دارد؟ و اعمال تحریم‌های یک‌جانبه اقتصادی از این منظر چگونه با موازین حقوق بین‌الملل توجیه‌پذیر است؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها، ابتدا به تبیین مفهوم توسعه و تشریح ابعاد مختلف آن با جلوه اقتصادی در حقوق بین‌الملل پرداخته خواهد شد. در ادامه مباحث، رابطه بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای با حق توسعه اقتصادی، ماهیت تعهدات دولت‌ها به این حق، آثار اعمال تحریم‌ها بر این حق و در نهایت پیامد نقض تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی با محوریت برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای در جامعه بین‌المللی بررسی و تحلیل خواهد شد.

مفهوم حق توسعه و تبیین ابعاد آن در حقوق بین‌الملل

در طی دهه‌های گذشته، تعاریف مختلفی از سوی اقتصاددانان، حقوق‌دانان و نهادهایی مثل «بانک جهانی»^۴ و «صندوق بین‌المللی پول»^۵ درباره این مفهوم مطرح شده است؛ اما به‌علت تفاوت کارکرد و رویکرد نهادهای بیان‌کننده این تعاریف، تعریف‌های ذکر شده تا حدودی متفاوت بوده است. بعضی از آن‌ها توسعه را صرفاً از بعد اقتصادی مطرح کرده‌اند و برخی دیگر برداشت موسعی از آن داشته‌اند. این نشان می‌دهد که توسعه مفهومی چندبعدی است (ODVV, 2014). و تعریف واحد و جامعی از آن وجود ندارد.

۱. مطابق ماده ۱ اعلامیه حق توسعه (Right of Development) مصوب ۱۹۸۶ میلادی، حق توسعه از حقوق بشری است که نمی‌توان آن را از انسان گرفت و در نتیجه بر اساس آن هر انسان و همه مردمان حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن همه آزادی‌های بنیادی و حقوق بشر به‌طور کامل تحقق می‌یابند شرکت کنند، به آن‌ها کمک کنند و از آن‌ها برخوردار شوند.

2. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

3. Charter of Economic Rights and Duties of States 1974.

4. World Bank

5. International Monetary Fund

معنای واژگانی توسعه گذر از سطح پایین به سطح بالا است که دلالت بر تغییر دارد (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۸). اما معنای اصطلاحی آن بهبود سطح رفاه ملت و افراد جامعه است (ODVV, 2014). البته در برخی تعاریف، توسعه مفهومی گسترده‌تر یافته است و شامل مواردی مانند حذف یا کاهش فقر عمومی، افزایش امید به زندگی، دسترسی به خدمات بهداشتی سالم، افزایش سطح تحصیل همگانی و باسوادی می‌شود (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۷، ص ۴۰۷). از این رو، با توجه به دامنه تعریف مطرح شده از مفهوم توسعه، احتمال دارد شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری سطح توسعه ارائه شود. بر مبنای همین شاخص‌های متفاوت، دو نوع برداشت از توسعه در ادبیات حقوق بین‌الملل، یعنی توسعه اقتصادی و توسعه انسانی، شکل گرفته است.

حقوق توسعه نیز در چارچوب حقوق بین‌الملل، بر مبنای دو مفهوم متفاوت از توسعه، به دو حالت «حق توسعه» و «حق بر توسعه»^۱ مطرح شده است. در واقع، در چارچوب حقوق بین‌الملل از دو منظر می‌توان به مقوله توسعه نگریست. حق توسعه مبتنی بر برداشت توسعه اقتصادی از مفهوم توسعه است و حق بر توسعه به برداشت توسعه انسانی از توسعه نزدیک است که در کنار حق بر صلح و حق بر محیط‌زیست، یکی از مصادیق نسل سوم حقوق بشر است و در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر تحلیل می‌شود. هرچند تعریف حق بر توسعه در قالب ادبیات موجود کمی دشوار است (Subedi, 2006, p.27)، قدر متیقن این است که در حق بر توسعه صاحبان حق موجودات انسانی و صاحبان تکلیف دولت‌ها هستند. بنابراین، در پرتو برداشت انسانی از مفهوم توسعه، دولت‌ها باید بتوانند زمینه‌های توسعه انسانی را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ... فراهم سازند.

اما توسعه به مفهوم «حق توسعه»، که نقطه ثقل بحث نوشتار حاضر است، حقی است که صاحبان حق و تکلیف در آن صرفاً دولت‌ها هستند. از این زاویه، توسعه یکی از حقوق کشورهای در حال توسعه در قبال کشورهای توسعه‌یافته است که بر مبنای آن، کشورهای توسعه‌یافته متعهد به فراهم کردن امکانات و بسترهای لازم برای توسعه کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه‌اند (Oduwole, 2014, p. 3). در این گفتمان از توسعه که محور مباحث حقوق بین‌الملل اقتصادی است، توسعه معادل حق توسعه اقتصادی است که به منزله حق این کشورها نه بر ثروتمند شدن بلکه دست‌کم به خروج از حالت فقر عمومی قلمداد می‌شود (Ngosso, 2013, p. 5). پس، در چارچوب حق توسعه، کشورهای در حال توسعه «صاحب حق» و کشورهای توسعه‌یافته «واجد تعهد»ند.

به‌طور کلی، حق توسعه مفهوم کمابیش مبهمی دارد (هوهن فلدن، ۱۳۷۹، ص ۱۱). منشأ چنین برداشتی از مفهوم توسعه در حقوق بین‌الملل به تحولات دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. مباحث مربوط به توسعه از گفتمان استقلال‌طلبی کشورهای جهان سوم در دهه ۱۹۶۰ وارد مناسبات بین‌المللی شده است (Udombana, 2000, p. 762). کشورهای در حال توسعه‌ای که در آن ایده حق توسعه را دنبال می‌کردند، اصولاً بر توسعه اقتصادی و حاکمیت بر منابع طبیعی تأکید داشتند و خواستار ایجاد نظم اقتصادی بین‌المللی جدیدی بودند که نابرابری میان دولت‌ها در دستیابی به توسعه را لحاظ کنند (Oduwole, 2014, p. 3). این‌گونه رفتار و برخورد خاص با کشورهای در حال توسعه بر مبنای مفهوم نابرابری جبران‌ساز توجیه می‌شود (هوهن فلدن، ۱۳۹۱، ص ۱۳). این کشورها از طریق «جنبش غیرمتعهدها»^۲ کشورهای توسعه‌یافته را به مذاکره در خصوص اصلاح نظام اقتصادی جهان وادار کردند. از سال ۱۹۶۲ این فرایند آغاز شد که سرانجام در ۱۹۶۴ به تشکیل «کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد تجارت و توسعه» (انکتاد)^۳ انجامید. انکتاد چنین استدلال می‌کرد که توسعه کشورهای پیشرفته به قیمت توسعه‌نیافتن کشورهای جهان سوم تمام شده است؛ زیرا کشورهای توسعه‌یافته برای رسیدن به توسعه از امکانات و منابع طبیعی سایر کشورها استفاده می‌کردند. از این رو، آن‌ها باید بخشی از درآمد خود را به کشورهای در حال توسعه اختصاص دهند تا آن‌ها نیز عقب‌افتادگی خود را جبران کنند.^۴ نهایتاً چنین ایده‌ای در منشور

1. Right to Development

2. Non-Aligned Movement (NAM)

3. United Nation Conference on Trade and Development

۴ . برخی کشورها مثل امریکا، با اتخاذ مواضع منفی در قبال حق توسعه اظهار داشتند که توسعه نمی‌تواند جزو حقوق باشد؛ زیرا مصادیق حقوق حالت آمرانه و الزامی دارد، ولی توسعه این ویژگی را ندارد. پس نمی‌توان آن را حق تلقی کرد.

حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها و حق کشورها بر توسعه اقتصادی به رسمیت شناخته شد.^۱ تجربه استعمارزدایی نیز باعث تقویت این دیدگاه شد و این تفسیر از توسعه از سوی کنوانسیون‌های بین‌المللی متعدد تأیید شد. سپس در بسیاری از اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای نیز، صاحبان حق توسعه کشورهای در حال توسعه معرفی شدند.^۲ از جمله، حق توسعه در قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی مصوب ۴ دسامبر ۱۹۸۶ شناسایی شده است که اشعار می‌دارد: «انسان موضوع اصلی توسعه است و بنابراین باید شرکت‌کننده فعال و ذی‌نفع اصلی از حقوق توسعه باشد.» (عسکری و وکیل، ۱۳۹۱، ص ۵۰). اگرچه تعریف دقیق حق توسعه اقتصادی در چارچوب اسناد مذکور ساده نیست، اما صرف‌گنجانیدن این حق در اسناد مذکور جامعه بین‌المللی را قادر ساخت تا از طریق رفتار خاص و مرجح بر توسعه کشورهای در حال توسعه تأکید داشته باشد (Subedi, 2006, p. 27). افزون‌براین، دولت‌ها با امضای اعلامیه حق توسعه، ضمن به رسمیت شناختن این حق، خود را مکلف کرده‌اند که برای تحقق اهداف مندرج در این سند بکوشند (حقیقی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۴۱۰). در نهایت باید گفت که حق توسعه به‌طور کلی حقی جدید نیست بلکه حقی است که از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشئت گرفته است؛ از این‌رو، عده‌ای آن را حق بر حقوق نیز نامیده‌اند، هرچند از مفاهیمی است که جزو محتوای نسل سوم تلقی می‌شود که بستر و زمینه‌ساز توسعه هنجارهای حقوق بشر بوده است و باید از سوی جامعه جهانی مراعات شود (عسکری و وکیل، ۱۳۹۱، ص ۵۳). در واقع محتوای این حق با توجه به این‌که به‌طور صریح و ضمنی در بسیاری از اسناد مهم بین‌المللی الزام‌آور مانند منشور سازمان ملل متحد و میثاقین منعکس شده است، می‌شود گفت که دولت‌های عضو این اسناد تعهداتی را در قبال یکدیگر در رعایت حق توسعه اقتصادی و مساعدت به یکدیگر در این زمینه دارند.

بهره‌مندی از فناوری هسته‌ای و نقش آن در توسعه اقتصادی

امروزه پیوند میان فناوری و توسعه انکارناپذیر است و کشورهایی می‌توانند در مسیر توسعه به موفقیت دست یابند که توانسته باشند در حوزه فناوری به پیشرفت‌های چشمگیری برسند. بر این اساس، انتقال فناوری لازمه دستیابی به فناوری‌های نوین است که از رهگذر آن رسیدن به توسعه پایدار نیز امکان‌پذیر می‌شود (منتظری مقدم و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۸۹). درعین‌حال، اغلب ابزارها و عناصر موجود در طبیعت و زندگی بشری، به‌ویژه ساخته‌های دست بشر، از قابلیت کاربردهای دو یا چندگانه برخوردارند، به‌گونه‌ای که از هر نوع کاربرد آثار مثبت یا منفی خاصی به‌دست می‌آید. انرژی هسته‌ای نیز چنین وضعیتی دارد. استفاده مثبت از اتم به تولید انرژی هسته‌ای لازم برای تولید برق، مصارف پزشکی، کشاورزی و نظایر آن می‌انجامد و فراهم‌کردن حجمی نسبتاً خالص از آن به همراه جمع‌شدن لوازمی چون چاشنی انفجار امکان تولید خطرناک‌ترین سلاح با قابلیت کشتار و انهدام جمعی را فراهم می‌آورد (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۵۲). بر این مبنای، مسئله انرژی نیز از جنبه‌های جدایی‌ناپذیر توسعه به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که می‌شود گفت کشوری که بتواند در تولید انرژی موفق باشد، در عرصه توسعه نیز موفق خواهد بود. استفاده صالح‌آمیز با اهداف اقتصادی از انرژی هسته‌ای و کاربرد گسترده آن در حوزه‌های متنوع مانند تولید برق از طریق نیروگاه اتمی، کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها در صنعت پزشکی، کاربرد پرتو‌ها در صنایع فلزی، پرتو‌دهی فرآورده‌های کشاورزی و انبارکردن و نگهداری آن‌ها، استفاده از پرتوها در معدن نفت و زغال‌سنگ، نابودسازی باکتری‌های فاسدکننده فرآورده‌های خوراکی، پرتونگاری در جوشکاری و نشت‌یابی لوله‌ها و مخازن، کاربرد رادیو ایزوتوپ‌ها در پزشکی هسته‌ای (رادیواکتیو) و مبارزه با سرطان و بیماری‌های غده تیروئید بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، کاربرد دانش هسته‌ای نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها به‌شمار می‌آید (مولد، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸). در این میان، نکته حائز اهمیت افزایش وابستگی به کاربردهای بسیار گوناگون فناوری هسته‌ای است، به نحوی که به جرأت می‌توان گفت در هزاره سوم میلادی تداوم تمدن صنعتی بی‌بهره‌گیری از علوم و فنون هسته‌ای تصورناشدنی است (مولد، ۱۳۸۵، ص ۱۸۳). افزون بر مزایای متنوع اقتصادی، علمی،

۱. در منشور حقوق و تکالیف اقتصادی دولت‌ها، بارها صاحبان حق توسعه اقتصادی دولت‌های در حال توسعه معرفی شده‌اند؛ از جمله در ماده ۱، ۲، ۱۲ و ۲۳.

۲. برای مثال، در اعلامیه دولت هند در اجلاس شبکه سوم جهانی (۲۰۱۶) در مراکش آمده است: ما مجبور به تضمین این هستیم که تلاش‌هایمان حق بر توسعه کشورهای در حال توسعه و نیل به اهداف توسعه پایدار و آرمان‌های ملت‌مان را تضمین کند. بنگرید به:

Third World Network (TWN), Climate talks close with Developing Countries calling for Strong pre 2020 action, Marraketch 22 November 2016, p. 3.

زیست‌محیطی، پزشکی و تأمین انرژی و سایر مواردی که استفاده از انرژی هسته‌ای به همراه دارد، در حال حاضر هم شرایط نظام بین‌المللی به‌گونه‌ای است که برای حفظ و ارتقای جایگاهش استفاده از علوم راهبردی مانند فناوری هسته‌ای اجتناب‌ناپذیر است، به نحوی که فناوری اکتسابی در زمینه سوخت پاک و انرژی هسته‌ای، افزون‌بر فواید اقتصادی و صنعتی، نقش مهم و برجسته‌ای در تعیین شاخص‌های اقتدار و استقلال کشورها ایفا می‌کند و در فرایند چانه‌زنی‌ها و کشمکش‌های دیپلماتیک و قراردادهای عهدنامه‌ها، بر کارایی دارندگان انرژی هسته‌ای اثرگذار است.

اساسنامه سازمان انرژی اتمی و پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای هریک با تصریح به سهم انرژی هسته‌ای در صلح، سلامت و سعادت بشریت به نقش‌آفرینی جدی انرژی هسته‌ای در آینده جوامع بشری اذعان می‌کنند و انجام تحقیقات، تولید و استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح‌آمیز را حق مسلم همه دولت‌های عضو دانسته‌اند. با استناد به این حق و حق توسعه اقتصادی و با مدنظر قراردادن گستردگی کاربرد فناوری هسته‌ای در زمینه‌های گوناگون اقتصادی کاربرد بسیار دستاوردهای علوم و فنون هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران در راستای توسعه اقتصادی و بهره‌مندی از چنین مزایای فراوانی و همچنین ارتقای جایگاه کشور در عرصه‌های جهانی مجدانه در حال تلاش و پیگیری است (قاسمی و مؤیدیان، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵). با وجود این، موانع و چالش‌هایی نیز وجود دارد، از جمله ناکامی حقوق بین‌الملل در زمینه خلع سلاح و همکاری برای توسعه؛ از این‌رو که تنظیم روابط بین‌المللی دولت‌ها در این زمینه به همکاری‌های داوطلبانه و نیازهای متقابل آن‌ها متکی است. همچنین، تحریم‌ها و اعمال فشارهای یکجانبه و اختلاف دیدگاه‌ها و تفسیرهای سیاسی که از متون اسناد و کنوانسیون‌های مربوطه در خصوص انتقال فناوری هسته‌ای وجود دارد، سوای موانع و مشکلات داخلی، باعث شده است که فرایند توسعه فناوری و انتقال فناوری هسته‌ای برای برخی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران، با وجود موفقیت‌هایی که داشته است، با مشکل مواجه شود.

ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی در چارچوب نظام منع گسترش

شایان ذکر است حق توسعه اقتصادی که به‌صورت ضمنی موضوع میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و شامل نسل دوم حقوق بشر است، به‌منزله یکی از مصادیق حق تعیین سرنوشت اقتصادی از این قاعده مستثنا نیست و مشمول تکلیف و تعهد مذکور است. اظهار متمایز این میثاق مبتنی بر این‌که دولت‌ها باید برای «تحقق روزافزون» حقوق مندرج در آن بر مبنای منابع در دسترس «گام‌هایی بردارند» مانع از شناسایی تکلیف برای همه دولت‌ها در راستای رعایت حق توسعه اقتصادی ملت‌هایشان در برابر یکدیگر و در روابط با یکدیگر نیست. اما سؤال این است که ماهیت این تکلیف و تعهد چیست و حق توسعه صلح‌آمیز فناوری هسته‌ای چه رابطه‌ای با الزامات و تعهدات دولت‌ها در این زمینه دارد؟ ابتدا باید گفت که حق توسعه اقتصادی از مصادیق اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به‌شمار می‌رود که جزو تعهدات عام‌الشمول ناشی از اصول مربوط به حقوق بنیادین نوع انسان است و رعایت آن صرفاً منوط به رضایت قراردادی دولت‌ها نیست، در نتیجه، با توجه به اهمیت و ماهیت این دسته از تعهدات، همه دولت‌ها مکلف‌اند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض آن‌ها را به رسمیت نشناسند و برای حفظ وضعیت به‌وجودآمده کمک و مساعدتی نکنند. تا جایی که دیوان بین‌المللی دادگستری در نظریه مشورتی ۲۰۰۴ خود، در قضیه دیوار حائل، ضمن اشاره به عرفی بودن حق تعیین سرنوشت ملت‌ها ماهیت تعهد دولت‌ها در برابر این اصل را عام‌الشمول معرفی کرد. این تعهدات همان‌گونه که قاضی کرافورد اظهار داشته است: تعهداتی است که حوزه جهانی دارد و نمی‌توان آن‌ها را به سطح روابط دوجانبه میان دولت‌ها کاهش داد. این تعهدات به کل جامعه بین‌المللی تعلق دارد (Crawford, 2001, p. 4). زمانک نیز معتقد است که هدف قواعد با ویژگی عام‌الشمول تأمین منافع و حقوق یک دولت در برابر دولت دیگر نیست، بلکه این قواعد نشان‌دهنده منافع جامعه بین‌المللی با ارزش‌های اساسی است (Zemanek, 2000, p. 42).

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن نیز همین ویژگی‌های تعهدات عام‌الشمول را در چارچوب دو ویژگی جهانی بودن و همبستگی بیان کرده است.^۱ پس حق توسعه اقتصادی جلوه‌ای از حق تعیین سرنوشت است که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن حاکمیت و استقلال کشورها است و ترتیبات آن از صلاحیت و اختیارات ذاتی دولت‌ها تلقی می‌شود. از این رو، توسعه اطلاعات و فناوری و دانش صلح‌آمیز هسته‌ای حقی مسلم برای دولت‌ها در نظم بین‌المللی دولت‌محور کنونی است. مادامی که یک قاعده مسلم حقوق بین‌الملل چنین حقی را از دولت‌ها سلب نکرده باشد، توسعه در کلیت آن از جمله در حوزه فناوری هسته‌ای ممنوع نیست و چنین حوزه‌ای از فعالیت دولت‌ها، به علت تأثیری که در کاهش فاصله طبقاتی میان کنشگران بین‌المللی و همگن کردن ساختار قدرت در جامعه جهانی ایفا می‌کند، تعهداتی (سیاسی و حقوقی) را نیز برای دولت‌های بهره‌مند از این فناوری‌ها به وجود می‌آورد که همیاری در این توسعه اقتصادی را دنبال کنند (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۴۸). در عین حال، از آنجا که کاربرد انرژی هسته‌ای الزاماً با تولید سلاح هسته‌ای همراه نیست، در اسناد بین‌المللی در کنار ممنوعیت‌های موجود به حق انتقال فناوری هسته‌ای نیز اشاره شده است. در پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی) که تنها موردی است که به انتقال فناوری هسته‌ای به صراحت اشاره کرده است، اصل بر ممنوعیت بوده است و افزون‌براین، فعالیت صلح‌آمیز باید تحت نظارت منظم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد نه دولت‌های هسته‌ای. همچنین، تسهیل فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای، از جمله انتقال فناوری هسته‌ای، تکلیف همه کشورهای به‌شمار می‌آید (مولایی، ۱۳۷۶، ص ۷۴). به همین علت ماده ۴ ان پی تی تدوین شد تا رضایت کشورهای در حال توسعه که بخش زیادی از کشورهای جهان را دربر می‌گیرد جلب شود و به این ترتیب، آن‌ها را به قبول تعهدات نظام منع گسترش ترغیب کند.

بند ۲ ماده ۴ معاهده یادشده تصریح کرده است که تمامی دولت‌های عضو متعهد می‌شوند که مبادله هرچه گسترده‌تر تجهیزات، مواد، اطلاعات علمی، و فناوری را به منظور استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای تسهیل کنند. مفهوم صریح این بند این است که نه تنها این دولت‌ها نمی‌توانند این مبادلات را محدود کنند، که باید در راستای گسترش و تسهیل این انتقال و مبادلات اقدام کنند. این نکته را باید در نظر داشت که اگرچه این انتقال می‌تواند در چارچوب توافق دو یا چندجانبه این کشورها با طرف‌های مقابل انجام شود، اما در این مورد هیچ قاعده خاصی حاکم نیست؛ هر چند این تعهد، در نظام منع گسترش، جلوه تعهدی الزام‌آور را به خود گرفته است (منتظری مقدم و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۹۶). در واقع، دولت‌ها به شرطی به خلع سلاح تن داده‌اند که ممنوعیت‌های آن مانع توسعه نشود. نتیجه آن‌که، با تفسیر بر اساس حقوق معاهدات و قواعد حاکم بر تفسیر معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ و خصوصاً منطوق و محتوای ماده ۳۱ این کنوانسیون هم در معاهده منع گسترش و هم در سایر اسناد که مرتبط با سیاق معاهده منع گسترش است، حق مسلم استفاده از انرژی هسته‌ای که مقدمه انتقال فناوری هسته‌ای است و آن را دربر می‌گیرد شناسایی شده است. به این دلایل، تفسیر رابطه ممنوعیت‌ها و حق توسعه در این معاهدات بر اساس کارهای مقدماتی مربوط به انعقاد آن‌ها و بر مبنای کشف اراده متعاهدین حاکی از این است که چنین التزام حقوقی‌ای برای دولت‌های توسعه‌یافته ایجاد شده است تا در جهت تسهیل این تعاملات توسعه‌ای گام بردارند (ساعد، ۱۳۸۳، ص ۶۰). نکته دیگری که باید به آن توجه کرد هدف و موضوع معاهده منع گسترش است. هدف معاهده منع گسترش و علت اصلی ایجاد نظام منع گسترش جلوگیری از دستیابی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای به فناوری تولید سلاح هسته‌ای و همچنین، مشارکت کشورهای هسته‌ای در انتقال فناوری برای استفاده صلح‌آمیز به کشورهای فاقد این فناوری است؛ زیرا علت اصلی پیوستن هر دو دسته از کشورها به معاهده منع گسترش یکی از علل مزبور بود و معاهده منع گسترش به نوعی صحنه بده‌بستان‌های حقوقی بوده است (Ali, 2007, p. 307). در نهایت این‌که نهاد و مسئول ناظر بر اجرای تعهدات نظام منع گسترش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است و دولت‌ها نمی‌توانند بر اساس نظرها و سلیقه‌های شخصی خود تعهداتشان را یک‌جانبه تفسیر کنند؛ بنابراین، هیچ دلیلی برای ترجیح مواد ۱ و ۲ معاهده منع گسترش، که به ترتیب بر خودداری از انتقال سلاح هسته‌ای، کمک، تشویق و تحریک توسط کشورهای هسته‌ای و دریافت نکردن چنین سلاح‌هایی از سوی کشورهای فاقد سلاح‌های هسته‌ای اشاره دارد، بر ماده ۴ آن که به صراحت به انتقال فناوری هسته‌ای اشاره کرده است وجود ندارد. همان‌طور که در ماده ۴ مزبور، خصوصاً بند ۲ آن، تبادل آزادانه و بین‌المللی تجهیزات،

1. Barcelona Traction Case, Dissenting Opinion of Riphagen, ICJ Reports-1970 para 8.

مواد، اطلاعات، و دانش علمی و فنی در زمینه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای باید تسهیل شود (تعهد مثبت و ایجابی) و در عین حال، دارندگان هسته‌ای مکلف‌اند از ایجاد مانع بر سر راه تبادل و انتقال فناوری خودداری کنند (تعهدات سلبی) و کمترین اثر این ماده (ماده ۴ آن پی تی) تعهدی حقوقی و برابر با سایر تعهدات و مفاد این معاهده است. برخلاف دیدگاه دارندگان سلاح‌های هسته‌ای که معتقدند عبارت‌های این پاراگراف بیشتر ناظر بر همکاری داوطلبانه قدرت‌های هسته‌ای و حداکثر تعهد اخلاقی آن‌ها در همکاری‌های احتمالی آتی است که در بهترین حالت، نوعی تعهد به وسیله است که نه سازوکاری برای نظارت بر حسن اجرای آن تعهد و نه ضمانت اجرایی برای آن پیش‌بینی شده است. با این حال، این بخش (بند ۲ ماده ۴) تنها موردی است که به مسئله انتقال فناوری هسته‌ای توجه و به اهمیت نقش کشورهای هسته‌ای در عمومی کردن استفاده صلح‌آمیز از انرژی اشاره می‌کند. نهایتاً نکته مهم الزام کشورهای هسته‌ای در انتقال فناوری برای مقاصد صلح‌آمیز است که ارائه ادله مثبت در مورد آن بسیار دشوار است و برای ضمانت اجرای چنین تعهداتی باید سند الزام‌آور بین‌المللی با پیگیری نهادهای مسئول تدوین شود.

اعمال تحریم‌های هسته‌ای و نقض حق توسعه اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی با محوریت فعالیت‌ها در حوزه فناوری‌های هسته‌ای از مقولاتی است که اگرچه غالباً ابزاری با ماهیت سیاسی در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود، ولی تحلیل حقوقی آن و تبیین نسبت آن با حقوق بین‌الملل از مسائل مطرح جامعه بین‌المللی امروز است. مسئله این است که اساساً این تحریم‌ها بنا به دلایل و توجیهاتی اعمال شده و در برخی مواقع با مخالفت‌هایی نیز همراه شده است و قانونی بودن اعمال این تحریم‌ها زیر سؤال رفته است، برخلاف بسیاری از تحریم‌های جمعی که توسط شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شود (نورانی، ۱۴۰۰، ص ۵۳). البته در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت این‌گونه تحریم‌ها در حقوق بین‌الملل صراحتاً منع قانونی وجود ندارد و فقط در قالب اقدام متقابل و با رعایت شرایط و حدود مواد ۴۹ تا ۵۲ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ قابل ملاحظه است که طی آن تحریم‌ها نباید متضمن زور یا تهدید به زور، نقض قواعد بنیادین حقوق بشر و قواعد آمره... باشد (عابدینی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۸). هرچند به این طرح نیز انتقادات بسیاری وارد است، اما این نوع از مسئولیت تحت قاعده عام حقوق بین‌الملل عرفی قرار می‌گیرد و افق جدیدی در مسئول دانستن اعضای سازمان‌های بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود که مورد قبول رویه قضایی بین‌المللی نیز قرار گرفته است (موسوی و خداپرست، ۱۳۹۲، ص ۱۵۹-۱۶۲).

برای نمونه، دولت آمریکا تحریم‌های هسته‌ای علیه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و تحریم‌های مالی و بانکی و تجاری گسترده علیه اقتصاد کشور وضع کرده است. این کشور، با به‌کارگیری ابزار تحریم حداکثری، موجب کاهش تراز تجاری و مالی ایران شده است. باید در نظر داشت که تفسیر موسع و دل‌خواهانه دولت‌ها از صلاحیت فراسرزمینی به بهانه مؤثرسازی تحریم‌های یک‌جانبه ناقض حق حاکمیت دولت‌های دیگر و در واقع نوعی تحمیل اراده بر دیگران به پشتوانه قدرت اقتصادی است که با حقوق بین‌الملل، خصوصاً اصل برابری حاکمیت‌ها، تعارض دارد (Terry, 2020)؛ در حالی که ایران به حق معتقد است، به‌موجب مزایای عضویت در پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای (ماده ۴)، حق داشتن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای از جمله غنی‌سازی اورانیوم برای سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای و نیز برخورداری از جنبه‌های پیشرفته این صنعت را دارد که مستند به حق توسعه اقتصادی دولت‌هاست. از این رو، نادیده گرفتن آن از طریق تحریم و اعمال فشارهای اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای نوعی انکار حاکمیت و مداخله در امور داخلی کشورها، نقض بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد و اصل برابری حاکمیت مندرج در اهداف منشور سازمان ملل متحد است (قاسمی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۶).

قطعه‌نامه ۳ اکتبر ۲۰۱۴ شورای حقوق بشر نیز تأکید کرده است که «اقدامات و قوانین یک‌جانبه با حقوق بین‌الملل، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، منشور سازمان ملل و اصول حاکم بر روابط مسالمت‌آمیز دولت‌ها در تضاد است»^۱ در برخی از اسناد بین‌المللی، به‌ویژه قطعه‌نامه‌های

1. Human Rights Council, 2014, pp. 1-3.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، هم بر منع مداخله از طریق اقدامات اقتصادی مانند انسداد دارائی‌ها یا تحریم معاملات بازرگانی در قطعنامه ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ با عنوان «منشور حقوق و وظایف اقتصادی کشورها» (G.A/Res/3281). به طور خاص تأکید شده است؛ در عین حال، در منشور سازمان کشورهای امریکایی (مواد ۱۶، ۱۸ و ۱۹)، منشور سازمان وحدت افریقا (ماده ۳)، پیمان اتحادیه عرب و برخی از کنفرانس‌های مهم بین‌المللی و منطقه‌ای مطرح شده است. از این رو تحریم‌های یک‌جانبه امریکا علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، افزون بر این که از لحاظ اصول حقوق بین‌الملل مندرج در قطعنامه‌ها و نیز رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نقض اصل عدم مداخله است، نقض تعهدات دوجانبه با دولت ایران نیز تلقی می‌شود.^۱ دکترین بین‌المللی و حقوق بین‌الملل عرفی در قالب قطعنامه‌های مجمع عمومی به عبارت مزبور جنبه تمثیلی می‌دهد و آن را به مداخله اقتصادی نیز قابل تسری می‌شمارد؛ زیرا، با گسترش روابط اقتصادی بین‌المللی در قرن بیستم و پیچیدگی پیشرفت‌های فناورانه و صنعتی، دیگر مداخله در مصادیق کلاسیک آن «سیاسی و نظامی» محصور نمی‌ماند، بلکه مظهر عادی و تردیدناپذیر مداخله ایجاد محظورات و محدودیت‌های مالی و اقتصادی است (منصوریان، ۱۳۹۲، ص ۸۵۹). بنابراین تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه امریکا علیه ایران، نه تنها نقض اصل عدم مداخله و نقض حق توسعه اقتصادی دولت و ملت ایران است، بلکه «بدون اغراق می‌توان گفت تحریم‌های اقتصادی علیه ایران در واقع جایگزین توسل به زور در مقیاس وسیع شده است» (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲، ص ۸۴۰). حقوق بین‌الملل نیز با فشار اقتصادی نامتناسب و بی حساب به‌ویژه بر شهروندان بی‌گناه کشور هدف و اتباع کشورهای ثالث مخالف است (Gutmann et al, 2018, pp. 5-7).

شورای حقوق بشر نیز در سال ۲۰۱۷ تأیید کرد که «اقدامات قهری یک‌جانبه از موانع اصلی اجرای اعلامیه حق توسعه است».^۲ گزارشگر ویژه شورای حقوق بشر نیز در خصوص آثار سوء تحریم‌های هسته‌ای امریکا علیه ایران ابراز نگرانی شدید کرد و گفت: تحریم‌های اقتصادی ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای با نیت سیاسی، حقوق بشر و قواعد بین‌المللی را نقض می‌کند و تغییر دادن رویه و رژیم سیاسی دولت‌های دیگر از طریق تحریم‌های گسترده، که حقوق بنیادین بشر را نادیده می‌گیرد و ممکن است به قیمت قحطی زدگی یک ملت باشد، هرگز رویه پذیرفته‌شده بین‌المللی نبوده است.^۳ اجلاس تجارت و توسعه ملل متحد (انکتاد)^۴ نیز ضمن محکوم کردن اعمال اقدامات اقتصادی قهرآمیز، به‌ویژه علیه کشورهای در حال توسعه، اعلام می‌کند: «همراهی کشورها، ارگان‌های بین‌المللی و شرکت‌های سرمایه‌گذار با تحریم‌های سخت‌گیرانه ایالات متحده علیه ایران به ایجاد خطر بالای سرمایه‌گذاری در بازار ایران منجر شده و اوضاع را بیش از پیش بغرنج کرده است».^۵ قطعنامه‌ای با عنوان اقدامات اقتصادی وسیله اجبار سیاسی و اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه^۶ از کشورهای صنعتی می‌خواهد که از موضع برتر خود برای اعمال فشار اقتصادی با هدف ایجاد تغییر در سیاست‌های اقتصادی، سیاسی، تجاری و اجتماعی سایر کشورها استفاده نکنند (سادات میدانی و خلیلی طریقه، ۱۳۹۸، ص ۴۲).

با وجود این، برخی از نویسندگان غربی نه تنها تحریم‌ها را در معنای عام آن منفی نمی‌دانند، بلکه به صورت کلی تحریم‌ها را ابزاری مثبت در جهت تحت فشار قراردادن حکومت‌های سرکوب‌گر و ناقض حقوق بشر برای انطباق با استانداردهای جهانی و منطبق با اصل حاکمیت کشورها می‌دانند (Oygarde, 2017, p. 137). بنابراین، تحریم‌های هدفمند یک‌جانبه خطراتی را به همراه دارد و ممکن است با مسئولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی^۷ سازگار نباشد. همچنین، بنابر ماده ۴۲ و ۴۸ آن، «هرگونه تحریم یک‌جانبه (هدفمند) فقط می‌تواند بازدارنده باشد، نه اقدام متقابل و حقوق قانونی کشورهای غیرآسیب‌دیده نیز باید روشن شود (Oygarde, 2017, p. 137). اما از آنجاکه این تحریم‌ها معاهده‌محور نیستند، هیچ معیار مشخصی برای استفاده از آن‌ها وجود ندارد و باعث ایجاد عدم قطعیت قانونی و احتمال سوءاستفاده

۱. ایالات متحده امریکا در بیانیه‌های الجزایر متعهد شده است که در امور داخلی ایران مداخله نکند (به موجب بند ۱ بیانیه کلی).

2. RES/34/13, Human Rights and Unilateral Coercive Measure, 2017

3. US Sanction Violate Human Rights and International Code of Conduct, UN Expert says (6 May 2019)
Available in: <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=245&LangID=E>

4. UNCTAD MENA National Awareness Raising Seminar on Consumer Protection Law 27 July 2017, Amman, Jordan.

5. Perben and Work Group, 2018, p. 153

6. Unilateral Economic Measures as a Means of Political and Economic Coercion against Developing Countries, 23 December 2003.

7. Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts (ARSIWA)

می‌شود. در مجموع، اقدامات یک‌جانبه آمریکا در تحریم ایران ناقض اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در میان دولت‌ها است که مستلزم احترام به اصول اساسی حقوق بین‌الملل یعنی تساوی حقوقی دولت‌ها، عدم مداخله، همکاری و دوستی، احترام به استقلال و تمامیت سرزمینی دولت‌ها در میان اعضای جامعه بین‌المللی است. این نوع اقدامات، به علت مشروعیت نداشتن، فاقد وجهت بین‌المللی است (مافی، ۱۳۸۵، ص ۷۹).

آثار حقوقی نقض تعهدات دولت‌ها در برابر حق توسعه اقتصادی

با تأمل در کشورهایی که مورد تحریم نسبتاً جامع قرار گرفته‌اند، درمی‌یابیم که در کنار سایر حقوق نقض‌شده، حق توسعه اقتصادی از آسیب‌پذیرترین معیارهای حقوق بشری در تحریم‌ها است. اعمال این تحریم‌ها برای نمونه در ایران طی سال‌های اخیر بر جنبه‌های مختلف حقوق بشر، از حق حیات گرفته تا نقض حق بهداشت و سلامتی که جزو حقوق مندرج در میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیون‌ها است، به‌طور مستقیم تأثیرات منفی گذاشته است و در عین حال به‌صورت غیرمستقیم آثار اقتصادی از جمله عدم تعادل لازم در بودجه عمومی دولت، کاهش اعتبارات عمرانی، محدودیت در نقل و انتقالات ارزی ناشی از صادرات، افزایش قیمت ارزهای خارجی، کاهش ارزش پول ملی و آثار تورمی در داخل کشور، کاهش سرمایه‌گذاری با ایجاد محدودیت در بخش تجارت خارجی، قطع همکاری شرکت‌ها و مؤسسات با ایران خصوصاً در زمینه انتقال فناوری در بخش انرژی داشته است که نهایتاً همه این‌ها به نقض حق توسعه یکایک ایرانیان منجر شده است و نسل‌های آینده را نیز از آثار منفی آن بی‌نصیب نخواهد گذاشت (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۴). چنان‌که اعمال تحریم‌های یک‌جانبه از سوی دولت آمریکا، با شدت و ضعف متفاوت در دوره‌های مختلف، خصوصاً طی سال‌های اخیر، سوای مشکلات و موانع داخلی، مهم‌ترین متغیر بیرونی تأثیرگذار در فرایند توسعه در ایران از جمله در اجرای برنامه‌های پنجم و ششم توسعه بوده است. بدیهی است که با اعمال تحریم‌های حداکثری و غیرمشروع ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای علیه کشوری خاص، بدون ضرورت و رعایت تناسب، نقض تعهدات عام‌الشمول را به همراه دارد که جزو ارزش‌های بنیادین نوع بشر است. عموماً نقض تعهدات عام‌الشمول نیز همانند دیگر تعهدات بین‌المللی موجب مسئولیت دولت نقض‌کننده خواهد شد. البته این مسئولیت دارای ویژگی‌های خاص خود خواهد بود. در بحث مسئولیت برای نقض تعهدات عام‌الشمول، موضوعی که باید مورد توجه قرار گیرد تفکیک میان دولت زیان‌دیده و دولت‌های با منافع حقوقی یا دولت‌های ثالث است (شریفی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴۵). وفق بند ۲ ماده ۴۸ پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل ۲۰۰۱، دولت‌های ثالث، همانند دولت زیان‌دیده از نقض تعهد عام‌الشمول، استحقاق درخواست توقف عمل متخلفانه را دارند و در صورت لزوم، بر اساس اوضاع و احوال خاص قضیه، می‌توانند به اخذ اطمینان و ضمانت عدم تکرار مطابق با ماده ۳۰ پیش‌نویس مواد ۲۰۰۲ مبادرت ورزند (Bird, 2010, p. 882).

بر همین مبنا، طبق رویه دیوان بین‌المللی دادگستری^۱، دولت‌های غیرناقص نیز متعهدند وضعیت غیرقانونی ناشی از نقض تعهد عام‌الشمول را شناسایی نکنند، به حفظ این وضعیت کمک نکنند و اطمینان یابند که هرگونه مانع بر سر راه اعمال تعهدات مزبور از بین رفته است. از این رو برای رسیدن به این اطمینان باید همه دولت‌ها همکاری لازم را بنمایند. افزون‌براین، دولت هدف تحریم می‌تواند از طریق سازوکارهای مختلف به مقابله با دولت واضع تحریم و آثار سوء آن مبادرت ورزد. بر این اساس، دولت هدف می‌تواند، طبق ماده ۵۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، به اقدام متقابل با رعایت شرایط همچون عدم تهدید یا توسل به زور و تشابه و تناسب موضوعی متوسل شود. البته توسل به این اقدام صرفاً از سوی دولتی که به‌طور مستقیم صدمه دیده است امکان‌پذیر است. با این حال، کاربرد این ابزار مزایا و معایبی هم دارد و در عمل مشاهده

۱. دیوان در قضیه نامیبیا بر این نظر بود که تمامی دولت‌ها باید با تسلط و حضور افریقای جنوبی در نامیبیا مخالفت کنند، چرا که وضعیت غیرقانونی موجود ناشی از نقض تعهدی عام‌الشمول است.

ILC, Draft Article on State Responsibility with Commentary, 2001, art. 48.

در قضیه دیوار حائل نیز، دیوان با طرح ماده ۴۱ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اظهار داشته است که کلیه دولت‌ها موظف‌اند احداث دیوار حائل را که ناقض حق تعیین سرنوشت ملت فلسطین به‌عنوان یک تعهد عام‌الشمول است را به رسمیت نشناسند و هیچ‌گونه کمک و مساعدتی به حفظ وضعیت ایجاد شده نکنند.

The Legal Consequence for States of the Continued Presence of South Africa in Namibia, Op.cit, para. 126.

می‌شود که نقض حقوق بشر بهانه‌ای در دست دولت‌های قدرتمند برای تلافی‌جویی و رفع خصومت‌های پیشین خود با دولت هدف است (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۰).

یکی دیگر از ابزارهای مقابله با تحریم‌ها ایجاد زیرساخت‌های لازم برای طرح دعوی در مراجع قضایی داخلی است. برای استفاده از این روش باید بدواً ظرفیت‌های لازم در قوانین و مقررات داخلی کشور هدف تحریم پیش‌بینی شود (وکیل و تحصیلی، ۱۳۹۲، ص ۴۵۰). مراجعه به مراجع بین‌المللی از جمله دیوان بین‌المللی دادگستری ابزار دیگری برای طرح دعاوی در زمینه اعمال تحریم‌های غیرمشروع است. بر اساس بند ۱ ماده ۳۵ اساسنامه دیوان مزبور، دولت‌های امضاکننده اساسنامه حق طرح دعوی در دیوان را دارند، چنان‌که دولت ایران نیز تاکنون به همین استناد در پرونده‌های سقوط پرواز شماره ۶۵۵ ایران ایر، حمله به سکوها نفتی، ضبط دارایی‌های ایران و خروج امریکا از برجام علیه دولت امریکا در دیوان طرح دعوا کرده است (زنگی اهرمی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۵۶).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه در این نوشتار مورد بحث قرار گرفت می‌توان گفت، به‌رغم وجود تفاسیر دوگانه از حق توسعه دانش و اطلاعات و فناوری هسته‌ای در جامعه بین‌المللی در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و محدودیت‌های بین‌المللی ناظر بر حق توسعه اقتصادی، دولت‌های در حال توسعه همچون جمهوری اسلامی ایران، با تکیه بر مفهوم توسعه اقتصادی به‌مثابه حقی دولتی در قبال دولت‌های دیگر که بر اساس آن هر کشوری می‌تواند مستقلاً سیاست‌های توسعه خود را اتخاذ کند، به سوی استفاده فزاینده از منابع انرژی خصوصاً فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای حرکت می‌کنند. چالش‌هایی هم در این زمینه وجود دارد که موانعی جدی را برای توسعه اقتصادی این کشورها به‌وجود آورده است. سوی موانع و چالش‌های راهبردی و ساختاری در عرصه داخلی و بین‌المللی، موانع و چالش‌های حقوقی و سیاسی نیز فراروی حق توسعه اقتصادی دولت‌ها وجود دارد؛ از فقدان قواعد و مقررات حقوقی الزام‌آور و فقدان ضمانت اجرا در زمینه حق توسعه اقتصادی گرفته تا اختلاف دیدگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته (شمال) و در حال توسعه (جنوب) درباره این حق. در این میان، مهم‌ترین موانع تحریم‌های اقتصادی است که با اهداف سیاسی و با محوریت برنامه هسته‌ای صورت می‌گیرد. در واقع، تحریم‌های وضع‌شده بر صنعت و فناوری هسته‌ای کشورها از جمله ایران و تحریم‌های کنترلی با هدف متوقف‌ساختن برنامه هسته‌ای و تضعیف جمهوری اسلامی ایران، با توجه به گستردگی و فراسرزمینی بودن این نوع تحریم‌ها و آثار جمعی آن، منجر به نقض حق توسعه اقتصادی دولت‌ها از جمله دولت ایران و در واقع نقض حق تعیین آزادانه سرنوشت اقتصادی ملت ایران شده است. این امر برخلاف قواعد و ارزش‌های بنیادین جامعه بین‌المللی است که در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل متحد، میثاقین و دیگر منابع حقوق بین‌الملل به‌صورت صریح و ضمنی مورد شناسایی قرار گرفته است. همان‌طور که حق بر توسعه، به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق همبستگی، همواره به دنبال تحقق پیش‌نیازهای زندگی مطلوب برای عموم مردم است و با توجه به این‌که حق توسعه از حقوقی است که مستلزم دخالت مستقیم دولت است و تکالیف ایجابی بر دوش دولت‌ها قرار می‌دهد، وضع تحریم‌های یک‌جانبه از سوی کشورهای قدرتمند و بزرگ مانع جدی بر سر راه عمل به تکلیف دولت‌های هدف تحریم در ایجاد بستر و لوازم اجرای حق بر توسعه نیز ایجاد می‌کند. از این رو، عملکرد یک‌جانبه دولت‌های تحریم‌کننده از جمله امریکا، نه تنها ناقض تعهد عام‌الشمول این کشورها در قبال کشورهای تحریم‌شده به‌عنوان دولت زیان‌دیده مستقیم است، بلکه در تباین و تعارض با منافع حقوقی دیگر اعضای جامعه بین‌المللی خصوصاً دولت‌های ثالث نیز هست. به‌نظر می‌رسد برای مقابله با چالش‌های موجود، از جمله فشارها و تحریم‌های اعمالی، اتخاذ موضع حقوقی جدی اعضای جامعه بین‌المللی در قبال اقدامات غیرقانونی و خارج از استانداردهای حقوقی بین‌المللی ایالات متحده امریکا و برخی کشورها، طرح مسئولیت بین‌المللی و پی‌گیری آن در مجامع بین‌المللی هم‌راستا و منطبق با حقوق بین‌الملل توسط کشورهای در حال توسعه از جمله ایران و نیز اتخاذ راهبرد مقاومت و اتکال به ظرفیت و امکانات داخلی و منطقه‌ای ضروری است. افزون بر این، برای تحکیم حق توسعه اقتصادی دولت‌ها در قبال یکدیگر و توسعه و انتقال فناوری هسته‌ای، حرکت به سوی تدوین و تصویب اسناد الزام‌آور بین‌المللی، با استفاده از ائتلاف‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی متشکل از کشورهای در حال توسعه یا جنبش‌های بین‌المللی مانند جنبش عدم‌تعهد، ضروری به‌نظر می‌رسد.

منابع

- حبیبی مجنده، محمد (۱۳۹۲). تحریم اقتصادی یک‌جانبه و اصل حاکمیت دولت‌ها. *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگلری)*. تهران: انتشارات شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- حقیقی، محمدرضا، براتی، فرج‌اله، حسینی، سید حسام‌الدین (۱۴۰۱). تحقق حق بر توسعه در پرتو اقتصاد مقاومتی از منظر فقه و اسناد بین‌المللی. *تحقیقات حقوقی بین‌المللی*، ۱۵ (۵۵)، ۴۰۷-۴۲۵.
- زابدل-هوهن فلدرن، آیگناتس (۱۳۷۹). *حقوق بین‌الملل اقتصادی*. سید قاسم زمانی (مترجم)، تهران: انتشارات پژوهشکده حقوقی شهر دانش.
- زنگی‌اهرمی، عهدیه، عزیزی مرادپور، حمید و باقرزاده، احد (۱۴۰۰). آثار تحریم‌های یک‌جانبه بر رعایت حقوق بشر با تأکید بر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه ایران. *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۱ (۴۳)، ۳۹-۶۸.
- سادات میدانی، سیدحسین و خلیلی‌طریقه، مهدی (۱۳۹۸). بایسته‌های حقوقی نظام تحریم ایالات متحده؛ تحریم‌های ایران. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش. چاپ اول.
- ساعد، نادر (۱۳۸۳). توسعه دانش و فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای در اسناد و آموزه‌های حقوق بین‌الملل. *سیاست دفاعی*، ۱۲ (۴۶)، ۷۲-۴۵.
- سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۹۷). حق توسعه به‌مثابه حق بشری در گستره حقوق بین‌الملل انرژی. *مطالعات حقوق انرژی*، ۴ (۲)، ۴۲۶-۴۰۵.
- شریفی، محسن (۱۳۸۷). *دیوان بین‌المللی دادگستری و تعهدات Erga Omnes*. سیاست خارجی، ۲۲ (۴)، ۱۰۳۱-۱۰۵۶.
- عابدینی، عبدالله (۱۳۹۴). *ایران و چالش‌های حقوق بین‌المللی معاصر*. تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
- عبداللهی، محسن، روشن‌فکر، پریسا و دبیری، زهرا (۱۳۹۴). کارآمدی اقدامات متقابل به عنوان ضمانت اجرای حقوق بشر. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۳۲ (۵۳)، ۱۵۹-۱۲۷.
- عسکری، پوریا و وکیل، امیرساعد (۱۳۹۱). *نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی)*. تهران: انتشارات مجد. چاپ دوم.
- قاسمی، غلامعلی (۱۳۹۵). چالش‌های اصل عدم مداخله و جایگاه آن در حقوق بین‌الملل. *آفاق امنیت*، ۹ (۳۳)، ۱۴۳-۱۷۲.
- قاسمی، غلامعلی و مؤیدیان، امینه (۱۳۹۹). تحریم‌های هسته‌ای آمریکا علیه ایران از منظر حق تعیین سرنوشت اقتصادی ملت‌ها. *تعالی حقوق*، ۶ (۱)، ۱۱۳-۱۵۱.
- مافی، همایون (۱۳۸۵). تأملی بر تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از منظر حقوق بین‌الملل. *حقوق و علوم سیاسی*، ۱، ۸۴-۵۹.
- منصوریان، ناصرعلی (۱۳۹۲). اصل بین‌المللی عدم مداخله و تخلف ایالات متحده آمریکا از موافقت‌نامه‌های الجزایر. *جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن بیست‌ویکم (مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر محمدرضا ضیائی بیگلری)*. تهران: انتشارات شهر دانش و خانه اندیشمندان علوم انسانی.
- منتظری مقدم، رضا، کوچ‌نژاد، عباس و رامین‌نیا، مژگان (۱۳۹۸). ابعاد حقوقی انتقال فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه راهبرد اجتماعی-فرهنگی*، ۸ (۳۲)، ۱۷۹-۲۱۴.
- موسوی، سید فضل‌الله و خداپرست، ناصر (۱۳۹۲). مسئولیت اعضای سازمان‌های بین‌المللی در پرتو طرح مسئولیت کمیسیون حقوق بین‌الملل. *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، ۱۸ (۶۴)، ۱۵۲-۱۸۲.
- مولایی، یوسف (۱۳۷۶). تحلیل پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای با تأکید بر ماده ۴ پیمان. *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۷، ۶۵-۸۲.
- مولود، احمد (۱۳۸۵). کاربرد گسترده دانش هسته‌ای: نقطه خیزی برای توسعه اقتصادی کشورها. *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، ۲۲۵-۲۲۶، ۱۸۲-۱۹۳.

- نورانی، سید امیرسینا (۱۴۰۰). واکاوی تحریم‌های یکجانبه اقتصادی در حقوق بین‌الملل: مطالعه موردی ایالات متحده. *مطالعات بین‌المللی*، ۱۸ (۳)، ۵۳-۷۵.
- وکیل، امیرساعد و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۲). *ایران و تحریم‌های بین‌المللی*، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- Ali, A. M. (2007). Treaty on the non-proliferation of nuclear weapons and its recent issues: a legal perspective. *International Journal of Nuclear Law*, 1(4), 305-314.
- Bird, A. (2010). Third, state responsibility for human rights violations. *European Journal of International Law*, 21(4), 883-900.
- Crawford, J. R. (2001). Responsibility to the International Community as a Whole. *Indiana Journal of Global Legal Studies*, 303-322.
- Gutmann, J., Neuenkirch, M., Neumeier, F., & Steinbach, A. (2018). *Economic sanctions and human rights: Quantifying the legal proportionality principle* (No. 2/18). Research Papers in Economics.
- Ngosso, T. (2013). The Right to Development of Developing Countries: An Argument Against Environmental Protection?. *Public Reason*, 5(2), 41-59.
- Oygarden, K. F. (2017). *The Effect of Sanctions on Human Rights: Assessing the Impact of Economic Sanctions on Human Rights Violations in Targeted Countries* (Master's thesis).
- Oduwole, O. O. (2014). *International Law and The Right to Development: A Pragmatic Approach for Africa*. ISS, International Institute of Social Studies.
- Organisation for Defending Victims of Violence (ODVV) (2014). International Sanction Violating Right to Development. <https://www.odvv.org/blog-176-International-Sanctions-Violator-of-the-Right-to-Development..>
- Subedi, S. P. (2006). *International Economic Law, Section A: Evolution and Principles of International Economic Law*. University of London Press.
- Terry, P. C. (2020). Enforcing US foreign policy by imposing unilateral secondary sanctions: Is might right in public international law? *Wash. Int'l LJ*, 30, 1.
- Udombana, N. J. (2000). The Third World and the Right to Development: Agenda for the Next Millennium. *Human Rights Quarterly*, 22(3), 753-787.
- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). (27 July 2017). UNCTAD MENA National Awareness Raising Seminar on Consumer Protection Law. Ammonia, Jordan.
- United Nations (23 December 2000). Unilateral Economic Measures as a Means of Political and Economic Coercion against Developing Countries. GA resolution.
- Van Aaken, A. (2019). Introduction to the Symposium on Unilateral Targeted Sanctions. *American Journal of International Law*, 113, 130-134.
- Zemanek, K. (2000). New Trends in the Enforcement of erga omnes Obligations. *Max Planck Yearbook of United Nations Law*, 4(1), 1-52.